

در برلن جمهوری اسلامی برای بار سوم بر صندلی اتهام می نشیند

ششمین جلسه دادگاه

ساعت ۱۳:۰۰ روز دوشنبه ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۳ دادگاه شروع به کار کرد.

شهادت محمد شمس

رئیس دادگاه به شاهد گفت موضوع شهادت شما انجمن پژوهشگران ایران و بخصوص سمینار سال ۲۰۰۱ این انجمن در برلن می باشد. شاهد در پاسخ به سئوالات گفت: مهندس و مترجم رسمی هستم. انجمن پژوهشگران ایران به مسایل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران می پردازد و جلسات متعددی در ۱۰ سال گذشته داشته است. چون کسانی که در مسایل اجتماعی - اقتصادی ایران تحقیق می کنند عضو آن هستند انجمن پژوهشگران نامیده شده است. نمی توانم بگویم این انجمن از آغاز سیاسی بوده اما این انجمن همیشه مورد حمله ی نشریات چاپ ایران بوده است. مثلاً یک سری برنامه تلویزیونی به نام هویت در ایران تهیه و پخش می شد. با استفاده از مطالب این برنامه ها چند جلد کتاب هم در ایران به همین نام منتشر شد. در این سری برنامه ها چندین بار به این انجمن حمله شده و بعضی از اعضای آن را به نام ذکر کرده و آن ها را جاسوس سیا و موساد و ام ای ۶ خواندند. ما در نوامبر ۲۰۰۱ یک سمینار در خانه ی فرهنگ های جهان در برلن داشتیم. در این سمینار طیف وسیعی از اپوزیسیون از سلطت طلبان تا چپ ها در کنار هم به سخنرانی و بیان نظرات خود پرداختند. بله جلسات به آرامی برگزار شد اما بیرون سالن درگیری پیش آمد. علت درگیری فیلمبرداری یک نفر از جریان سمینار بود. قبل از سمینار یک نفر که خود را خبرنگار تلویزیون ایران معرفی می کرد به ما تلفن کرد و خواست از مراسم گزارش تلویزیونی تهیه کند. قرار شد نیم ساعت قبل از برنامه بیایند. او آمد و یک نفر را که خود را **الله وردی نیکجه** (شخصی که در دادگاه می کونوس معروف به شاهد ب بود) معرفی کرد همراه آورد. این شخص در سالن فیلمبرداری می کرد. قرار شد که از برنامه فیلمبرداری کند اما دوربین رو به سخنرانان باشد و از حاضران و تماشاچیان فیلمبرداری نشود. من به چند نفر از دوستان هم گفتم مواظب باشند که دوربین را رو به حاضران در جلسه نگیرد. در تنفس بیرون سالن سخنرانی چند نفر با او درگیر شدند، فیلم را از او گرفتند و ما مانع ادامه فیلمبرداری او شدیم.

پایان شهادت ۱۳:۲۰

رئیس دادگاه از وکیل متهم و دادستان پرسید آیا موافقت از شهادت افراد دیگر صرف نظر کنند. هر دو طرف موافقت کردند. آنگاه برای مشاوره در مورد خواندن کیفرخواست و آخرین دفاع متهم تنفس اعلام شد.

ساعت ۱۴:۰۷ دادگاه رسمیت یافت

کیفرخواست دادستانی

کیفرخواست دادستانی در سه قسمت تنظیم شده بود.

برنو یوست در اولین قسمت کیفرخواست گفت این سومین دادرسی علیه واواک ایران در برلن است. دادرسی معروف به دادگاه می کونوس، دادرسی علیه حمید خرسند و دادرسی حاضر. در هر سه مورد اتهام تعقیب و جاسوسی افراد اپوزیسیون ایران برای ترور آن ها بوده است. اولین بار علیه کردها، دومین بار علیه مجاهدین و این بار علیه سلطنت طلبان.

در آوریل ۱۹۹۷ حکم دادگاه می کونوس اعلام شد و منجر به قطع رابطه ی دیپلماتیک کشورهای اروپایی با ایران و خروج دیپلمات های این کشورها از ایران شد. اما دولت علی رغم این امر به فعالیت های اطلاعاتی خود علیه اپوزیسیون در خارج از ایران ادامه داد. ایران با پیگیری به این کار مشغول است. این بار ما با نمونه **صدری** روبرو هستیم. او به عنوان جاسوس شاهنشاهی

علیه دانشجویان فعالیت می‌کرد و بعد از انقلاب بنا به اقرار خودش از سال ۱۹۹۱ برای واواک فعال بوده است و در دادگاه معلوم شد این کار تا هنگام دستگیری در ژوئیه ۲۰۰۳ ادامه داشته است. او در این مدت سعی کرده همکاران سابق خود را برای فعالیت در واواک عضو گیری کند تا تعقیب و جاسوسی از اپوزیسیون همچنان ادامه یابد. او با توجه به سابقه‌اش به عنوان جاسوس شاهنشاهی به خوبی می‌دانست این اطلاعات چگونه مورد بهره برداری مقامات ایران قرار می‌گیرد. نوع بهره برداری از این اطلاعات را یک بار فلاحیان وزیر وقت واواک چنین اعلام کرد: **“ما به عملیات خود ادامه داده‌ایم. در حال حاضر آن‌ها را تعقیب می‌کنیم و در خارج از کشور آن‌ها را به طور مداوم تحت نظر داریم. ما در ارگان مرکزی آن‌ها نفوذ کرده‌ایم و از فعالیت‌های آن‌ها مطلع هستیم. خدا را شکر که می‌توانیم همهی فعالیت‌های آن‌ها را تحت نظر داشته باشیم.”**

دومین نماینده دادستانی به شرح زندگی صدری و فعالیت‌های او در ساواک و واواک پرداخت. جزئیات فعالیت‌های او را بنا بر گزارش‌های خود او و آن چه شاهدان در دادگاه گفته بودند ذکر کرد و گفت: در تمامی گزارش‌هایی که به ایران فرستاده مساله مرکزی پول بوده است. نماینده دادستانی سپس گفته‌های شاهدان در دادگاه را ارزیابی کرد و نتیجه گرفت که صدری تا هنگام دستگیری به جاسوسی مشغول بوده است.

سپس برنو یوست سومین قسمت کیفرخواست را خواند. او گفت جرم صدری منطبق بر ماده ۹۹ قوانین جزایی آلمان است. این قانون می‌گوید: **“کسی که (۱) برای سازمان اطلاعاتی یک نیروی خارجی با دادن یا انتقال حقایق، اشیا یا اطلاعات فعالیت‌هایی علیه آلمان فدرال انجام دهد یا (۲) در مقابل سازمان اطلاعات یک نیروی خارجی یا افراد واسطه‌اش آمادگی خود را اعلام کند، به مجازات تا ۵ سال زندان یا جریمه نقدی محکوم می‌شود...”** نماینده دادستانی اوضاعی که قانون در آن وضع شده بود، تغییر شرایط در آلمان و تغییراتی که در شمول قانون طی سال‌ها پدید آمده پرداخت و گفت: کسانی که به دلایل سیاسی، فرهنگی یا قومی به آلمان آمده‌اند همان قدر تحت حمایت قوانین آلمان هستند که شهروندان آلمانی. نمونه **محمدی** (خلبان رفسنجانی که در هامبورگ ترور شد) و **میکونوس** نشان می‌دهند که با این فعالیت‌های جاسوسی جان افراد ساکن آلمان و از این رو امنیت آلمان به خطر می‌افتد. می‌توان به نمونه حزب الله که رهبریش در دست ایران است توجه کرد. **حزب الله در آلمان باید مورد مراقبت دایم باشد** چنان که به طور قانونی هم تحت مراقب هست. این به خاطر امنیت آلمان است. سلطنت طلبان از سازمان‌های مهم اپوزیسیون ایران در آلمان و اروپا هستند و مثلاً می‌دانیم دکتر گنجی رئیس سازمان درفش کاویانی در معرض خطر ترور قرار داشت.

در مورد مقدار جرم هر چند گزارش‌هایی که صدری به ایران فرستاده به ظاهر پیش پا افتاده به نظر برسند اما واواک بر اساس همین جزئیات فعالیت‌های تروریستی خود را سازمان می‌دهد. تا کنون حداقل یک مورد نشان داده است که این کارها می‌تواند نتایج مرگبار داشته باشد.

حقایق نشان می‌دهند که صدری تا سال ۲۰۰۳ برای پول برای واواک کار می‌کرده است و داستان‌های مربوط به تحت فشار قرار داشتن خانواده‌اش تنها برای جازدن مجرم به جای قربانی است. اما این که صدری توانسته از سال ۱۹۹۸ که جاسوس بودنش برای سلطنت طلبان روشن شده به کار خود در میان آن‌ها ادامه دهد نشان سهل‌انگاری آنان است.

بنا بر بند یک ماده ۹۹ قوانین جزایی تقاضای ۲ سال و ۴ ماه زندان برای او داریم.

پایان ساعت ۱۵:۰۵

هفتمین جلسه دادگاه

ساعت ۱۳:۰۰ روز سه شنبه ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۳ دادگاه شروع به کار کرد.

در ابتدای جلسه رئیس دادگاه گفت برای مدت کوتاهی دو باره وارد پروسه دادرسی می‌شویم و رو به متهم و وکلش گفت: تا کنون بنا بر ادعای دادستانی اتهام جاسوسی مربوط به سالهای ۱۹۹۸ بوده است اما با توجه به مدارک جدید و کیفرخواست

دادستانی که در جلسه روز گذشته خوانده شد، این زمان می‌تواند تا سال ۲۰۰۳ در نظر گرفته شود. سپس دادرسی خاتمه یافت و وکیل متهم به آخرین دفاع پرداخت.

آخرین دفاع وکیل متهم

من باید به دو سؤال مهم جواب دهم اول آیا متهم آزادانه تصمیم به جاسوسی گرفته و دوم آیا فعالیت جاسوسی او بعد از ۱۹۹۸ ادامه داشته است. در مورد سؤال اول هیچ مدرکی که نشان دهد متهم شخصا تصمیم به جاسوسی گرفته مطرح نشده است. مسائل مالی نیز در سطح نازلی بوده و موضوع خانه هم بسیار مبهم است پس من نتیجه می‌گیریم که متهم بر اثر فشار بر خانواده‌اش مجبور به جاسوسی شده است.

در مورد سؤال دوم، دادستانی نتوانست هیچ شاهد جدی ارائه کند. دو شاهد مهم دادستانی **خانم آلپانیان و آقای شریف محمدی** بودند. صحبت‌های خانم آلپانیان می‌تواند مربوط به سال ۱۹۹۸ باشد نه ۱۹۹۹ و آقای شریف محمدی یک شاهد دروغگو بود و برای تسویه حساب با متهم به هر دری زد. به نظر من مشکلات مالی که او و متهم دارند عامل اصلی این تسویه حساب بوده است. به نظر من شهادت او فاقد کمترین ارزش است. در مورد دو شاهدی هم که او معرفی کرد، شریف محمدی آن‌ها را اجیر کرده تا به زیان موکل من صحبت کنند. باید اشاره کنم خانم آلپانیان در فوریه ۲۰۰۳ از متهم شکایت کرد، خانه او را هم پلیس بازرسی کرده بود، یعنی متهم از این زمان از موضوع مطلع است پس بسیار ابلهانه است اگر فکر کنیم متهم چند ما بعد در ژوئیه ۲۰۰۳ با دو متقاضی پناهندگی کار جاسوسی می‌کرده است. با توجه به این نکات و این که متهم خود اقرار کرده و پشیمان هم هست من تقاضای ۱۸ ماه زندان تعلیقی می‌کنم.

آخرین دفاع ایرج صدری

سپس متهم برخاست و گفت من از کار خود پشیمانم و از دوستان و همکاران خود خجالت می‌کشم و از همه‌ی آن‌ها معذرت می‌خواهم. من تا سال ۱۹۹۸ جاسوسی می‌کردم و از این کارم بسیار خجالت زده هستم، مرا ببخشید.

جلسه بعد و روز اعلام حکم ۲۹ سپتامبر